

زمینه های اجتماعی-فرهنگی اقبال زنان به الگوهای نودین داری
مطالعه موردی دوره ها و کلاس های عرفانی، موفقیت و یوگا در شهر
تهران

محمد تقی کرمی قهی (دانشیار دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران)

mt.karami@yahoo.com

علی خانمحمدی (دانشجوی دکتری، گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه

طباطبائی، تهران، ایران، نویسنده مسئول)

ali1992khanmohammadi@gmail.com

سمیرا نوری (کارشناسی ارشد مطالعات فرهنگی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران)

Sanouri1988@gmail.com

Mohammad Taqi Karami Ghohi (Associate Professor, Allameh Tabataba'i
University: Tehran, IR)

mt.karami@yahoo.com

Ali Khanmohmmadi (Doctoral student, Department of Sociology, Social
Science, Allameh Tabatabai University: Tehran, IR, Corresponding author)

ali1992khanmohammadi@gmail.com

Samira Nouri (Master of Cultural Studies, Cultural Studies, Allameh
Tabataba'i University, Tehran, IR)

Sanouri1988@gmail.com

چکیده

مقاله کنونی با به کارگیری روش زمینه بنیاد با رویکرد اشتراوسی برای فهم نقشه دین‌داری زنان تهرانی نگاشته شده است. مؤلفه های چهارگانه کدگذاری الگوواره‌ای بر مبنای محوری بودن روان‌شناسی مثبت‌گرا و معنویت بودیسم در الگوهای نو دین‌داری مورد بررسی قرارگفت. رفتار مذهبی، هویت اجتماعی، رواداری و تساهل، تیپ‌های روان‌شناختی و طرق و اماکن آرامش‌بخش به عنوان شرایط علی محسوب می‌شوند. وضعیت فرهنگی خانواده‌ها، وضعیت مصرف فرهنگی و فراغت مصاحبه‌شوندگان شرایط زمینه‌ای و مداخله‌گر می‌توان دانست. حضور آنان در دوره و کلاس‌ها به صورت مجازی با آشنایی و تشویق دوستان صمیمی و خانواده را باید یک راهبرد دانست. راهبرد زنان تهرانی در مواجهه با یک مخاطره پزشکی یا اجتماعی است. پیامدهای مورد انتظار مصاحبه‌شوندگان خودسازی و خودشناسی، افزایش استقامت، صبر و تحمل، موفقیت، آرامش، خداشناسی و مثبت‌اندیشی است. زنان تهرانی مورد بررسی از طریق ساز و کار «بدعت»، به «برساختن» یا «بازاندیشی» خویشتن بالانحص در مواجهه با مخاطراتی چون مواجهه با بیماری دست می‌زنند.

واژه‌های کلیدی: الگوهای نو دین‌داری، روان‌شناسی مثبت‌گرا، بازاندیشی، برساختن، مخاطره.

۱. مقدمه و طرح مساله

زنان از دیرباز تا کنون طبق تحقیقات مختلف جزو گروه‌های پر تعداد مقید به دین‌داری سستی محسوب می‌شوند، سنخی که نه تنها در مکان و کنش‌های جمعی بلکه توسط یک مرجعیت و منبع معنا می‌یافت. اما امروزه دین‌داری آنان از گسست‌هایی عمیق چون موج‌های انقلاب اطلاعاتی، گسترش فردگرایی تاثیر گرفته‌است و فرآیندهای دنیاگرایی‌سازی^۱ و تغییرات اخلاقی تسریع شده است (حیدری، ۱۳۹۹؛ میرسپاسی، ۱۳۹۸؛ حیدری، ۱۳۹۷؛ توکلی طرقي، ۱۳۹۶؛ فاضلی، ۱۳۹۴؛ آزاد ارمکی، نبوی ۱۳۹۲؛ میلانی، ۱۳۸۷؛ نجفی، و همکاران، ۱۳۷۸؛ توکلی طرقي، ۱۳۷۹). یکی از نشانه‌های مهم عرفی‌گرایی کاهش حضور و شرکت در آیین‌ها و مراسم‌های جمعی دینی است. عبادات فردی هم‌چون نماز خواندن، روزه گرفتن، دعا خواندن، نذر کردن در میان زنان ایرانی رو به افزایش است. اما شرکت و حضور در مناسک مذهبی جمعی در حال کاهش است. از طرفی، پیوند دین‌داری به عرف‌های اخلاقی نوین مانند ارتباط آزاد دختر و پسر، آزادی‌های اوقات فراغتی متنوع و الگوهای حجاب و پوشش بدن رشد کمی داشته‌است. به همان سان، بخشی از عرف‌های اخلاقی سستی چون ارزشمند بودن معنویت‌گرایی، لزوم خیرخواهی و کمک به دیگران رو به افزایش است. به نظر می‌رسد با نوعی دوقطبی شدن در گرایش به اخلاقیات دینی مواجه هستیم (عالم زاده، رستگاری، ۱۳۹۳؛ کلاکی، نیازخانی، ۱۳۸۹؛ مهدوی، ادیسی، رحمانی، خلیلی، ۱۳۸۹؛ اعظم‌آزاده، توکلی، ۱۳۸۶؛ توسلی، مرشدی، ۱۳۸۵؛ سراج‌زاده، ۱۳۷۷). در رهگذر این فرآیند دوقطبی با مرجعیت یافتن روان‌شناسی، روان‌پزشکی و پزشکی به ترویج الگوهای نودین‌داری^۲ مواجه منتهی شده‌است (حیدری، ۱۳۹۶؛ فوکو، ۱۳۹۲؛ فوکو، ۱۳۸۷). این الگوها، گزینشی از آموزه‌های عرفانی چون بودایی (دلای لاما)، اکنکار، پائولو کوئیلو، اشو، ساتیا ساي

1. Secularization

2. New patterns of religiosity

بابا، رام الله، آیین ذن، شیطان‌پرستی باورهای علمی-پیراروان‌شناختی چون روان‌درمانی، معنویت و آرامش روان، موفقیت، درمان‌های مذهبی، هستی‌شناسی، تکنولوژی فکر، ریگی، فنگ‌شویی تا معنویت‌های نو چون عرفان حلقه کیهانی و ادیان ابراهیمی است (دانیالی، آقائی، ۱۳۹۹؛ باستانی، شریعتی، خسروی، ۱۳۹۷؛ حمیدیه، ۱۳۹۲؛ شریعتی مزینانی، باستانی، خسروی، ۱۳۸۶؛ شریعتی مزینانی، باستانی، خسروی، ۱۳۸۸). علاقه جدید به معنویت با تأکید بر سوژه فردی، خود‌پروری و درک متمایزی از روان‌شناسی انسانی همراه است ... معنویت به صورت کوششی در جهت رشد حساسیت به خود، دیگران، به آفرینش غیرانسانی و به خدا وصف شده است یا به صورت کاوش در آنچه در انسان دخیل است یعنی جست‌وجویی برای رسیدن به انسانیت کامل (هینلز، ۱۳۸۶: ۵۷۶؛ حمیدیه، ۱۳۹۲: ۹-۳۸). روان‌شناسی مثبت‌گرا^۱ به صورت رشته علمی با عنوان روان‌شناسی اسلامی (گرایش روان‌شناسی مثبت‌گرا) دارای نشریه، انجمن علمی و سهمیه‌ی پذیرش دانشجو در مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه‌های ایران شده است (سازمان سنجش کشور، ۱۳۹۸؛ اساسنامه انجمن روان‌شناسی اسلامی، ۱۳۹۸؛ دوفصلنامه پژوهش‌نامه روان‌شناسی اسلامی، ۱۳۹۸). این امر به معنای رسمیت شناختن این علم در ایران است. پدیده‌هایی نوظهور سر برآورد و عرفان‌های نوظهور در کنار روان‌شناسی مثبت‌گرا، تکنیک‌های شادکامی، تکنیک‌های موفقیت، مدیریت خود، مثبت‌اندیشی و... بدل به کدهایی فراگیر شدند و صدر تا ذیل حیات فرهنگی را دربرگرفتند. این مجموعه کدها و الگوها تا به حدی در فضای عمومی ریشه دوانده‌اند که به جرأت می‌توان آن‌ها را رژیم‌های حقیقت‌نماید که عدم پیروی از آن‌ها به مثابه گونه‌ای اختلال روانی، بیماری و مرض یا بزهکاری شناسایی می‌شود و در سه فضای بیمارستان، تیمارستان و زندان توزیع می‌شوند (حیدری، ۱۳۹۶: ۱۲). زنان تهرانی هم متأثر از این موج‌های عظیم با گزینش برخی از شعایر و باورهای دینی شیعه، روان‌شناسی مثبت‌گرا و عرفانی رنگین، زیست دینی می‌کنند. با این وجود، روان‌شناسی مثبت‌گرا و معنویت بودیسم به مؤلفه‌هایی تاثیرگذار در پژوهش‌های جامعه‌شناسی دین در ایران بدل نشده است. تحقیقات قبلی این حوزه در ایران گسترش این دو نوع پدیده را مورد توجه

1. Positive psychology

قرار نداده‌اند (طالبی، رضوانی تمیجانی، ۱۳۹۵؛ حسن‌پور، معمار، ۱۳۹۴؛ طالبی، ۱۳۹۲؛ حمیدیه، ۱۳۹۲؛ طالبی دارابی، ۱۳۹۱؛ شجاعی‌زند، ۱۳۹۵؛ شریعتی مزینانی، باستانی، خسروی، ۱۳۸۶؛ شریعتی مزینانی، باستانی، خسروی، ۱۳۸۸). پس با نگاهی عمیق به روایت‌های آنان از زندگی‌شان به سوالات زیر پاسخ می‌دهیم.

۱. باز تعریف خویشتن زنانه در میان زنان تهرانی که به الگوهای نودین‌داری گرایش دارند، چگونه است؟

۲. زمینه‌های اجتماعی-فرهنگی اقبال زنان به الگوهای نو دین‌داری چیست؟

۲. پیشینه پژوهش

در حوزه «الهیات» پژوهش‌های فراوانی در مورد الگوهای نودین‌داری در ایران صورت گرفته است. اما مطالعات زیادی در این مورد در «جامعه‌شناسی دین» صورت نگرفته است (شجاعی‌زند، ۱۳۹۵؛ طالبی، رضوانی تمیجانی، ۱۳۹۵؛ حسن‌پور، معمار، ۱۳۹۴؛ طالبی، ۱۳۹۲؛ ریاحی، ۱۳۹۲؛ طالبی دارابی، ۱۳۹۱؛ مظاهری سیف، ۱۳۹۰؛ کریمی، عالم زاده، رستگاری، ۱۳۹۳؛ اعظم آزاده، توکلی، ۱۳۸۶؛ توسلی، مرشدی، ۱۳۸۵). در ادامه چند پژوهش مرتبط به موضوع این مقاله و با نگاه جامعه‌شناختی را معرفی می‌کنیم. اولی، کتاب «چالش‌های دین و مدرنیته» (مباحثی جامعه‌شناختی در دین‌داری و سکولار شدن) به قلم سیدحسین سراج‌زاده یکی از اولین منابعی به زبان فارسی به مسئله‌ای دنیاگرایی‌سازی پرداخت. در فصل هفتم این کتاب یک پژوهش در ایران هم تشریح شده است (سراج‌زاده، ۱۳۸۵). دومی (بهناز خسروی^۱ در یک رشته مقالات با همکاری سوسن باستانی و سارا شریعتی به مطالعه دوره‌ها، کلاس‌ها و اشیای مربوط به معنویت‌های جدید قبل از همه‌گیری کرونا و ویروس پرداخته‌اند (شریعتی مزینانی، باستانی، خسروی، ۱۳۸۶؛ باستانی، شریعتی، خسروی، ۱۳۸۹؛ باستانی، شریعتی، خسروی، ۱۳۹۷).

۱. دانش‌آموخته دکتری دانشگاه لیون لومیر (Université Lumière Lyon 2) و شاغل در مرکز تحقیقات ماکس وبر لیون (Centre Max Weber) هستند.

پژوهش‌های علمی حول محور دین‌داری با اهداف سنجش و شاخص‌سازی از آن چون طرح‌های ملی سنجش و نگرش ایرانیان و جوانان و طرح‌های منشعب از آن در چندین موج صورت گرفته و مقالاتی در تحلیل‌های آن نگارش شده‌است (گودرزی، ۱۳۹۳؛ غفاری و همکاران، ۱۳۹۳؛ حسام‌الدین آشنا و همکاران، ۱۳۹۲؛ مرکز مطالعات جوانان دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۸۹؛ موسوی، ۱۳۸۶؛ مرکز تحقیقات بسیج دانشگاه امام صادق(ع)، ۱۳۸۶؛ مرکز مطالعات کودکان، نوجوانان و جوانان دانشگاه الزهراء(س)، ۱۳۸۶؛ مرکز پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه، ۱۳۸۳؛ موسسه میثاق دانش روز، ۱۳۸۲؛ گودرزی، و همکاران، ۱۳۸۲؛ موسسه میثاق دانش روز، ۱۳۸۱؛ مصداقی، ۱۳۷۹؛ مصداقی، ۱۳۷۸؛ مصداقی، ۱۳۷۶؛ شبانی، و همکاران، ۱۳۸۸؛ فرجی، کاظمی، ۱۳۸۸؛ طالبان، ۱۳۸۸).

در مقالات و پژوهش‌های پهن دامن ملی نسبت به طرح و مطالعه‌ای الگوهای نودین‌داری غفلت شده‌است. شاید علت این غفلت را به خاطر تازگی پدیده و عدم پرداخت نظری به موضوع در زمان اجراء این پژوهش‌ها بوده‌است. در مقالاتی به این بحث پرداخته‌است، روان‌شناسی مثبت‌گرا و معنویت بودیسم به عنوان مولفه‌های تعیین‌کننده توجه نشده‌است.

۳. ملاحظات نظری

پیچیدگی زیست جهان شهری حاصل تقسیم کار یک اقتصاد فناورانه است. تکثرگرایی در حقیقت به معنای درگیر شدن در شهری کردن دائمی آگاهی است؛ تکثرگرایی در واقع ذاتی این فرآیند است. این فرآیند از راه اطلاعات ذهن فرد را باز می‌کند (برگر، برگر، کلنر، ۱۳۸۱: ۹-۷۸). برگر از این وضعیت با عنوان تکثرگرایی ارزشی^۱ یاد می‌کند به موازات رشد تدریجی چندگانگی، فرد به ناگزیر با دیگرانی مرتبط می‌شود که به باورهای او اعتقادی ندارند و معانی، ارزش‌ها و اعتقادات متفاوت و گاهی متضاد بر زندگی‌شان حاکم

1 . Value Pluralism

است؛ یعنی فرد با تکثرگرایی معرفتی^۱ ناشی از برخورد با «دیگران ناهم عقیده» روبرو می‌شود (برگر، ۱۹۸۰: ۱۳۳). حال زنان در یک زیست جهان شهری متأثر از هر دو نوع تکثرگرایی دست به گزینش بخش‌هایی از ادیان می‌زنند. در حقیقت انتخاب‌های مذهبی درون یک مذهب نیز دست به انتخاب می‌زنند. برخی آموزه‌ها را از یک مذهب و آموزه‌هایی را از مذاهب دیگر می‌گیرند. در این زیست جهان، زمینه‌های اجتماعی معنای پدیده بدعت را تغییر داده‌است. دنیای جدید دنیای بی‌ثباتی‌ها است و به طور اتفاقی ساخت‌های ناپایدار تأییدات مذهبی، گه گاه جلوی این بی‌ثباتی‌ها قرار می‌گیرند. به عبارت دیگر، بدعت برای یک انسان ماقبل مدرن یک امکان دور دست بود، در حالی که برای انسان مدرن به یک ضرورت بدل شده است (برگر، مویر، ۱۹۸۰: ۲۸-۳۰).

هویت در اثر فرآیندهای اجتماعی تشکیل می‌شود. پس از متبلور شدن، باقی می‌ماند، تغییر می‌کند، یا حتی در نتیجه روابط اجتماعی از نو شکل می‌گیرد (برگر، لاکمن، ۱۳۷۵: ۲۳۵). از طرفی، «فردیت» حاصل زیست‌جهان کنونی است، در نتیجه به جای آن که با اصطلاحاتی کلی از «فرد»، «خود» یا حتی «هویت فردی» به عنوان عوامل مشخص‌کننده مدرنیته از فرآیند سه‌گانه «هویت فردی» در حال ساخت و بازاندیشی سخن می‌گوییم. با تمام این احوال، آن چه فرد را می‌سازد وابسته به اعمال و رفتارهای سازنده‌ای است که فرد در پیش می‌گیرد. و این‌ها در واقع چیزهایی بیش از آن است که در ساخت و بازساخت مفهومی منسجم و نتیجه‌بخش برای هویت شخصی نقش دارد (گیدنز، ۱۳۸۵: ۱۲-۱۱۱).

خطر، یکی از مهم‌ترین مولفه‌هایی که در زیست جهان شهری به طوری نهادینه شده که با تمامی فعالیت‌های روزانه ما عجین گشته‌است. منشا خطرات در این زیست شهری متفاوت است. اما توجه اذهان به ناتوانی نظام‌های آگاهی پیشین و فعلی از پاسخ‌گویی موجب تغییرات عظیمی می‌شود. آگاهی به مخاطره به عنوان صرف مخاطره، به صورتی که «کاستی‌های دانش» در مورد مخاطره، «به وسیله دانش مذهبی یا جادویی تبدیل به «قطعیت‌ها» نمی‌شوند. هیچ نظام تخصصی نمی‌تواند در مورد پیامدهای اقتباس اصول

1 .Cognitive Pluralism

تخصصی، تخصص کامل داشته باشند» (گیدنز، ۱۳۷۷: ۹-۱۴۸). این زنان برای متحقق ساختن «خویشتن» به تعادل بین فرصت‌جویی و خطرکردن عمل می‌کنند. گذشته را رها کردن و به یاری تکنیک‌های گوناگون از قید عادت‌های عاطفی آزاردهنده خلاص شدن، فرصت‌های متنوعی برای توسعه شخصیت پدید می‌آورد. دنیا پر از راه و روش‌های گوناگون برای هستی و عمل کردن می‌شود (ویگ شریدر-کروز، ۱۹۸۷؛ گیدنز، ۱۳۸۵: ۱۱۶). عاملیت آنان در انتخاب این که چه راهی را و چگونه برگزینند، تبلور می‌یابد. ارتباطی مهم و موثر در این زمینه همان مسیری است که برای زندگی انتخاب کرده‌ایم.... نقاط مرجع اصلی «در کنه وجود» او است و ضابطه آن‌ها هم در این امر است که فرد تاریخیچه زندگی خود را چگونه می‌سازد یا بازسازی می‌کند (گیدنز، ۱۳۸۵: ۱۱۶)

۴. روش تحقیق

در مقاله کنونی بر اساس رویکرد اشتراوسی به روش زمینه بنیاد در سه مرحله با پانزده مصاحبه به اشباع نظری رسیدیم. بر مبنای نمونه‌گیری نظری نمونه‌هایی از کلاس‌ها و دوره‌های موسسات مناطق ۳، ۲، ۵ و ۸ شهر تهران را آغاز کردیم. به دلیل این که در این مناطق بیشترین تعداد کلاس‌های موفقیت و یوگا برگزار می‌شود. نمونه‌گیری دوره‌های عرفانی با توجه به ممنوعیت قانونی و رازدار بودن اجتماع آنان با روش گلوله برفی از طریق معرف آغاز و در ادامه با روش هدفمند نمونه‌گیری نظری نمونه‌های بعدی جمع‌آوری شده‌است. اطلاعات جمع‌آوری شده در فرآیند مقایسه دائم^۱ برای دستیابی به طرح نظری کدگذاری باز یک به یک مصاحبه‌ها صورت گرفت. در این مرحله بیش از دو هزار مضمون کشف و مصاحبه‌های بعدی برای نمونه جدید برای چالش طرح اولیه برگزیده شده‌اند. برای ادامه این روند بر مبنای الگوواره کدگذاری^۲ و نگاه به یافته‌ها و تجارب پژوهشی قبلی کدگذاری محوری^۳ صورت گرفت. در مرحله آخر بر مبنای حساسیت نظری^۴ مان که همان

1. Constant Comparison
2. Coding Paradigm
3. Axial Coding
4. Theoretical Sensitivity

بدعت^۱، مخاطره و تیپ‌های روان‌شناختی-ارتباطی کدگذاری‌گرینشی (انتخابی) اقدام شده‌است. این مقاله چندضلعی‌نگری^۲ میان داده‌های پژوهش‌های پیشین، پژوهش‌های پهن‌دامن فرهنگی اجتماعی، مقایسه دائم و کنترل روایی بین محققان و داده اعتباریابی شده‌است.

جدول ۱- مشخصات مصاحبه شونده‌گان

شماره	وضعیت تاهل	سن	تحصیلات	محل سکونت
۱.	متاهل	۲۸	کارشناسی ارشد	منطقه ۹
۲.	مطلقه	۳۳	کاردانی	منطقه ۲
۳.	مجرد	۲۴	کارشناسی ارشد	منطقه ۳
۴.	مجرد	۳۷	کارشناسی	منطقه ۱۱
۵.	مجرد	۳۱	کارشناسی ارشد	منطقه ۶
۶.	مجرد	۲۹	کارشناسی ارشد	منطقه ۲
۷.	مجرد	۲۹	کارشناسی	منطقه ۲
۸.	مجرد	۳۰	کارشناسی ارشد	منطقه ۶
۹.	مجرد	۳۰	کارشناسی ارشد	منطقه ۲
۱۰.	مجرد	۳۱	کارشناسی ارشد	منطقه ۱۱
۱۱.	متاهل	۵۳	دیپلم	منطقه ۵
۱۲.	متاهل	۵۹	دیپلم	منطقه ۵
۱۳.	متاهل	۶۲	سیکل	منطقه ۱۲
۱۴.	مجرد	۲۷	کارشناسی	منطقه ۸
۱۵.	مجرد	۲۹	کارشناسی	منطقه ۴

1 . Heresy

2 .Triangulation

۵. یافته‌های تحقیق

در فرآیند تشکیل نظریه‌ای در مورد زمینه‌های اجتماعی-فرهنگی الگوهای نودین‌داری زنان تهرانی به پدیدهٔ محوری «بازتعریف خود جنسیتی» دست یافتیم. بازتعریف خود جنسیتی با کدگذاری گزینشی (انتخابی) دارای مؤلفه‌های شرایط علی، شرایط زمینه‌ای و مداخله‌گر، راهبردها و پیامدهای مورد انتظار است. این مولفه‌ها می‌توان در جدول ۲ جمع‌بندی کرد.

جدول ۲- کدگذاری محوری

عناصر	کد
شرایط علی	رفتار مذهبی / هویت اجتماعی / رواداری و تساهل / تیپ‌های روان‌شناختی / آرامش‌بخشی
شرایط زمینه‌ای و مداخله‌گر	وضعیت فرهنگی خانواده / وضعیت فرهنگی و فراغت زنان / سن / قومیت / تحصیلات / حادثه یا مخاطره پزشکی و اجتماعی
راهبردها	آشنایی از طریق دوستان صمیمی و یا اعضای خانواده / مشوقین دوستان صمیمی و خانواده
پیامدهای مورد انتظار	خودسازی و خود عزت نفسی / افزایش استقامت و صبر / موفقیت / آرامش / خداشناسی / مثبت‌اندیشی

۱-۵ شرایط علی

در بررسی کنونی محورهای رفتار مذهبی، هویت اجتماعی، رواداری و تساهل، تیپ‌های روان‌شناختی و آرامش‌بخشی جزو مؤلفه‌های شرایط علی است.

رفتار مذهبی

رفتار مذهبی در میان مصاحبه‌شوندگان گرایش به دین‌داری گزینشی و تسلط بدعت اجتماعی حرکت کرده‌است. می‌توان این نوع دین‌داری به دو سنخ اجتماعی تقسیم کنیم. الف) دین‌داری اسلام-معنویت‌های نو، نوعی از دین‌داری گزینشی با محوریت شعائر اسلامی است. چند نمونه‌ای از مصاحبه‌ها در ادامه اشاره می‌کنیم. انجام اعمال مذهبی از نظر شخصی واجب. اعمالی که از نظر خودم واجب است انجام می‌دهم، قرآن می‌خوانم، نماز می‌خوانم (مصاحبه ۱۱: ۱)؛ هر زمانی که حال معنوی داشته باشند. برخی شعائر مذهبی بالاخص قرآن را می‌خواند. به صورت مرتب انجام نمی‌دهم نماز می‌خوانم ولی هر روز و وقتی که حس داشته باشم نماز را می‌خوانم. هر وقت که احساس نیاز کنم نماز می‌خوانم (مصاحبه ۱۲: ۱). ب) دین‌داری معنویت‌های نو-اسلام، دین‌داری گزینشی با محوریت شعائر معنویت‌های نو است. مصادیقی از مصاحبه‌ها ارائه می‌شود. شعائر مذهبی قدیمی هستند و راه‌های متنوع و جدیدی برای دین‌داری وجود دارد. انجام نمی‌دم، ولی یک زمانی که تنها هستم با خداوند مراوده می‌کنم حرف می‌زنم (حالت مدیتیشن) قبلاً نماز می‌خوندم ولی الآن نه. به نظر من الآن زمان این حرفها نیست برای زمان قدیم بود. من فکر می‌کنم انجام ندهم به نفعم است، انجام دادنش باعث روحیه‌ی منفی می‌شود (مصاحبه ۷: ۱). به خواندن قرآن را بسیار باور دارند. اعتقادات و باورهای مذهبی شخصی است و روزه برای کنترل تغذیه است و احساس مذهبی به آن ندارد. نماز می‌خوانم، روزه می‌گیرم ولی احساس مذهبی به روزه ندارم، حس و حالی به روزه ندارم برای کنترل تغذیه انجام می‌دهم. قرآن می‌خوانم و خیلی قبولش دارم (مصاحبه ۱۰: ۱). از اماکن مقدس و مذهبی انرژی می‌گیرند. سفر مشهد (زیارت) انجام می‌دهم. این‌طور نیست که بگویم وقتی به مشهد می‌روم سفت و سخت اعتقاد دارم. بیشتر جنبه تحقیق و تفحص دارد. انرژی می‌دهد از کلیسا بیشتر انرژی می‌گیرم (مصاحبه ۳: ۱).

نگاه ارزشمند مصاحبه‌شوندگان به خیرخواهی و کمک‌رسانی یکی از مؤلفه‌های گرایش به اخلاق دینی سنتی است. اما رواج راه‌های غیرمادی کمک‌رسانی که جزو راه‌های سنتی نبوده است. به طبع این امر از نوع دین‌داری کنش‌گرا هم تاثیر گرفته است. حال که نه تنها ارزشمندی کمک به دیگران کاهش نیافته است، بلکه راه‌های جدید هم به آن اضافه شده است. همه این موارد نشانگر تغییرات عمیق نگرش و باورهای اجتماعی-فرهنگی ایرانیان پس از انقلاب اسلامی است. در نگاه آنان با چندین گزاره قابل تقسیم‌بندی است.

۱. کمک به مستمند می‌تواند غیرمادی باشد مثلاً کارآفرینی باشد. کمک به مستمند مهم است. می‌تواند پولی یا غیر پولی. آدم‌ها جدا از هم نیستند مانند اعضاء بدن هستند و شرایط آدم‌ها دیگر روی همه تأثیر دارد. اگر یکی فقیر باشد حتماً روی زندگی من اثر دارد. یک وظیفه مهم می‌دانم. به نظر من کمک به مستمند یک بعدی نباید باشد. باید کسی که نان شب و وسایل منزل ندارد به کمک مالی کرد. ولی بعضی‌ها به کمک مالی نیاز ندارند و بهتر است کار آفرینی شود. فرد را توانمند کرد. (مصاحبه ۸: ۱-۲)، ۲. کمک به مستمند مهم است. من هر سال مقداری پول خرج مستمندان می‌کنم. البته کمک می‌تواند کارهای غیرمادی باشد مثلاً تدریس به کودکان فقیر (مصاحبه ۱۵: ۱).

هویت اجتماعی

هویت اجتماعی شامل زیر مفهوم‌های اولویت اول مصاحبه‌شوندگان، تصویر ذهنی از زن امروزی، اولویت یک زن در جامعه کونی ایران و کمک به مستمندان است.

اولویت اول مصاحبه‌شوندگان عبارتند از: ۱. اولویت اول فرزندان هستند. اولویت من در زندگی ام اول فرزندانم هستند. تمام فکر و ذکر من بچه‌هایم و بعد پدر و مادر و بعد پول است (مصاحبه ۴: ۱). ۲. اولویت اول کار در زمینه‌ی مورد علاقه. اولویت اول زندگی ام کار کردن در زمینه‌ی مورد علاقه ام هست، هنر و نقاشی (مصاحبه ۶: ۱). ۳. اولویت اصلی رشد شخصی است. اولویت اول من، برای رشد شخصی خودم است. بعد خانواده‌ام و روابطم (مصاحبه ۸: ۱). پس می‌توان به دو دسته کلی رشد شخصی و فرزند می‌توان تقسیم کرد.

تصویر ذهنی از زنِ امروزی در بین مصاحبه‌شوندگان، تصویر فردی آگاه، مستحکم و مستقل از نظر مالی و پایبند به اخلاق در زمانه‌ی بی‌اخلاقی و چارچوبی است. این تصویر را می‌توان به چهار بخش تقسیم کرد. ۱. زنِ امروزی سرسخت و جنگجو باشد و از قالب زن خارج شود. یک زنِ امروزی باید مبارز و جنگجو باشد و در عین حال آگاهی‌اش زیاد باشد و باید خیلی قوی و سرسخت باشد هر چند که از قالب زن خارج شود (مصاحبه ۳: ۱). ۲. زنِ امروزی باید اعتماد به نفس و آرامش داشته‌باشد. زنِ امروزی باید آرامش خاطر، اعتماد به نفس بالایی داشته‌باشد (مصاحبه ۱۲: ۱). ۳. زنِ امروزی باید مستقل باشد بالاخص از نظر مالی. زنِ امروزی باید مستقل باشد، باید شغل داشته باشد، باید پول در بیاورد باید به هیچ روی محتاج نباشد (مصاحبه ۱۵: ۱). ۴. زنِ امروزی باید پایبند به اخلاق باشد و امروزی بودن مساوی با بی‌اخلاقی نیست. زنِ امروزی باید تحصیلات و شعور اجتماعی داشته باشد. پایبند به اخلاقیات باشد. لباس پوشیدن آن‌ها موجه و نجیبانه باشد. طرز حرف زدن مودبانه باشد ... (مصاحبه ۱۱: ۲).

اولویت یک زن در جامعه کنونی ایران از نگاه اغلب مصاحبه‌شوندگان کار و تحصیل می‌باشد. در نگاه مصاحبه‌شوندگان با چندین گزاره‌های کلی قابل دسته‌بندی است. ۱. یک زن باید تعادل میان کار، تحصیل و فرزند برقرار کند. همه چیز لازمه زندگی است یک زن تحصیلات خوبی داشته باشد، مادر خوبی می‌شود، مگر کار با بچه منافات دارد؟ و خداوند می‌گوید وقتی یک بنده ای یک کار را انجام می‌دهد یعنی می‌تواند. وقتی یکی هم می‌تواند هم کار و تحصیل و هم بچه و هم همسر پس مهم می‌تواند. شرایط خود من همین‌طور بود (مصاحبه ۱۲: ۱-۲). الان جامعه طوری نیست که خانواده اولویت داشته باشد و کمبود جمعیت داشته باشیم. به نظر من شرایط ایجاد می‌کند به درس و کار اولویت دادم ولی الان که فکر می‌کنم نیاز به رابطه عاطفی دارم. روابط عاطفی زیر سایه کار و شغل می‌گیرد (مصاحبه ۸: ۱). ۲. یک زن باید کار و تحصیل اولویت وی باشد. به نظر من اولویت با کار و تحصیل است (مصاحبه ۱۵: ۱)

رواداری و تساهل

رواداری و تساهل از مهم‌ترین مفاهیم شرایط علی است که در دو سویه ارتباط با نامسلمان‌ها، ارتباط با بی‌خدا و نادین‌ها بررسی شده‌است. سویه اول ارتباط با نامسلمان‌ها به بررسی دو زیر مؤلفه پرداختیم، اول (تصور مصاحبه‌شوندگان از نامسلمان‌ها پرسیده شد که با دوانگاری^۱ درستکار و نادرستکار یا متحجر برخوردیم. اغلب مسیحیان و ارامنه از دسته‌ی اول هستند. خیلی برخورد نزدیک نداشتیم ولی در نزدیکی ما چند یهودی هستند که بسیار کاسب‌کار هستند و مکرکارانه کاسبی می‌کنند. خیلی دنبال پول هستند. ارمنی‌ها را دوست دارم چند باری در همدان چند ارمنی دیدم خیلی محترم بودند. سنی‌ها خیلی زن‌ها را تحقیر می‌کنند مخصوصاً کردهای سنی (مصاحبه ۱۲ : ۲). باورها و عقاید ادیان دیگر برآیم جالب است. نظر خوبی دارم نسبت به آن‌ها. دوست دارم با آنها حرف بزنم و از عقایدشان به من بگویند. من با کره‌ای‌ها کار می‌کنم. البته عده‌ای از آن‌ها ابتدا بودایی بودند سپس مسیحی شدند. این تغییر دین برای من جالب است (مصاحبه ۹ : ۲).

سطوح ارتباط با نامسلمان‌ها که به دو سنخ اجتماعی می‌توان تقسیم کرد. الف) تعامل میانه همان مرادده کمتر محدود با نامسلمان‌ها است. دبیرستان یک دوست ارمنی داشتم... می‌شود همکار شد، ازدواج نمی‌شود به مشکل برمی‌خورد. در ازدواج، اعتقاد مذهبی زن و شوهر باید یکی باشد، باید با هم کفو باشد (مصاحبه ۴ : ۲). در کل با آن‌هایی که ایرانی نیستند خیلی راحت می‌توانم کار و دوستی کنم. با ایرانی‌ها همیشه دچار تعریف حد و مرز می‌شوم. می‌شود با غیرمسلمان‌ها کار کرد، همسایگی می‌شود کرد، ازدواج بین دو تا فرهنگ مختلف خیلی سخته، باید یک سری چیزها را فهمید و درک کرد و بستگی دارد که هر دو نفر این موضوع واقف باشند و بخواهند هم‌دیگر را بهتر بشناسند. فرهنگ مشترک باعث می‌شود کمتر سوءتفاهم ایجاد شود (مصاحبه ۹ : ۲). ب) تعامل حداکثری در حقیقت مرادده نامحدود با نامسلمان‌ها است. همکار غیرمسلمان داشتم، دو تا همکار ارمنی داشتم

1. Dualism

خیلی خوش اخلاق و برخورد بودند. می شود کار کرد، همسایگی نکردم، می شود همسایگی کرد. ازدواج هم می شود کرد با آنها (مصاحبه ۷: ۲) با مسیحی و بهایی کار کردم. معنا ندارد بگویم چون مسلمان نیستند کنار من نیایند. من مسلمان آن قدر مثبت باشم که بهایی را جذب کنم نه با کینه. درس های بزرگی از یک همکار زرتشتی گرفتم. برای من انسانیت مهم است نه دین و مذهب، دین یک مرام جغرافیا تعیینش می کند. می شه با غیرمسلمان کار کرد، همسایگی هم می شود کرد. همه را خدا خلق کرده است. ازدواج هم می شود کرد با غیر مسلمان در صورت تفاهم اخلاقی (مصاحبه ۱۲ : ۲).

سویه دوم ارتباط با بی خدا و نادین ها به بررسی دو زیر مؤلفه پرداختیم. اول) تصور آنان از بی خدا و نادین پرسیده شد که با دوگانه ی دیگر برخوردیم. یکی بی اخلاق، چهارچوب و بند و بار و زندگی پر از خلاء، بستگی دارد که کسی که دین ندارد و خدا را قبول ندارند آیا اخلاقی زندگی می کند یا نه. اگر دین ندارد ولی باید در زندگی چارچوب داشته باشد نباید زندگی اش دچار هرج و مرج شود. معمولاً کسانی که دین ندارند چارچوب را ندارند (مصاحبه ۹: ۲). نادین و بی دین کسی است که دیگران از دستش در امان نباشند، صداقت نداشته باشد و دروغگو باشد (مصاحبه ۱۳ : ۱)، بی خدا و نادینی را تجربه کرده است و باعث از خلاء در زندگی آنان می شود. من خودم بی خدا و دینی را تجربه کردم آنها را درک می کنم و فکر می کنم یک خلاءهای در زندگی آنها به وجود می آید (مصاحبه ۸ : ۲-۳)؛ سنخ دوم) متفاوت، ملایم، غیر تندرو، بعضی عقاید آنها که جنبه ی خشن و رادیکال شدن ندارد جذاب است. جالب است بدانم درباره اش ولی این طور نیست که خودم جذب آن بشوم (مصاحبه ۳: ۲).

سطوح ارتباط با بی خدا و نادین ها که به دو سنخ اجتماعی مواجه شدیم. الف) تعامل میانه که تعامل به جز ازدواج با آنان امکان پذیر می داند. من دوستانی این چنین داشتم و من از یک جایی به بعد نتوانستم با آنها رفاقت کنم، کار می شود کرد، همسایگی

هم می‌شود، ازدواج نمی‌شود کرد کلاً ارتباط نزدیک با این آدم‌ها برآیم سخت است (مصاحبه ۱۰ : ۳). من دوستانی این‌چنین داشتم ولی همکار نداشتم. یکی از دوستانم این‌چنین است که بهترین دوستم است که خیلی هم دختر خوبی است و او را قبول دارم. می‌شود کار کرد با چنین آدمی که شرطی که چارچوبی داشته‌باشد، مخصوصاً در رابطه هایش، همسایگی هم می‌شود کرد به همان شرط قبلی و اخلاقی زندگی کردن، برای ازدواج هم روی چارچوب تأکید دارم. آدم‌های مذهبی خدا ترس بودن ممکن است خیلی کارها را نکند. من خودم در خانواده چارچوب دار بزرگ شدم (مصاحبه ۹: ۲). ب) تعامل حداقلی که تعامل فقط در سطح همکاری را با آنان امکان‌پذیر می‌دانند. نه کار نکردم، ولی احتمالاً تجربه‌ی کار با آنها می‌تواند جذاب باشد. (مصاحبه ۳: ۲) بلکه کار کردم ولی خیلی راحت جذب کردم و مسلمان شدند. به همه فحش می‌داد ولی الآن مسلمان شده است، می‌شه کار کرد، همسایگی می‌شود، ازدواج در صورت تفاهم می‌شود. کی روی دیگری (معمولاً مثبت) (مصاحبه ۱۲: ۲).

تیپ‌های روان‌شناختی

تیپ‌های روان‌شناختی از مفهوم‌های علوم ارتباطات و روان‌شناسی است. در بررسی کنونی بود که دو سنخ اجتماعی قابل تشخیص است. یک) درون راهبر که شخصیتی درون‌گرا، کم‌حرف و علاقمند به پیدا کردن راه‌حل مشکلات توسط خویش است. بیشتر دوست دارم تنها باشم. دوست ندارم درباره مشکلات با کسی حرف بزنم. مگر این‌که مشکلی باشد که بقیه مثلاً همسرم را درگیر کند که در آن صورت سعی می‌کنم با همسرم مطرح کنم. اگر مشکلات راجع به فرزندم باشد با شوهرم حتماً مشورت می‌کنم (مصاحبه ۱: ۱). دو) دگرراهبر^۱ که شخصیتی برون‌گرا و علاقمند که نیازمند پیدا کردن راه حل مشکلات توسط دیگران که بیشتر خانواده و دوستان است قابل شناسایی است.

1 . Other Directed Man

جمع‌های خوب و بگو بخند داریم. دوست دارم راجع به مشکلات با مادر و خواهر و دخترم حرف بزنم. اون‌ها هم از مشکلات‌شان بهم می‌گویند (مصاحبه ۸: ۱). هر دو را دوست دارم اگر کی نباشد، حالم بد می‌شود. تفریح جمعی باشد. یک مدت درباره مشکلاتم با کسی حرف نمی‌زدم ولی الآن وارد گروه‌های (عرفانی) شدم، من به صحبت کردن تشویق می‌شوم. در دبیرستان کمتر حرف می‌زدم ولی الآن نه (مصاحبه ۸: ۱).

آرامش بخشی

طرق و اماکن آرامش بخشی در میان مصاحبه‌شوندگان به سه دسته قابل تقسیم‌بندی است. دسته اول سنتی، طریقه آرامش بخشی با انجام فرائض دینی، گوش دادن به موسیقی سنتی، حضور در اماکن مقدس، قبور درگذشتگان و طبیعت روی می‌دهد. خیلی دوست دارم بروم حرم امام رضا، اهل امام زاده رفتن نیستم. عاشق امام رضا هستم. بیشتر به حضرت فاطمه توسل می‌جویم. همیشه حضرت فاطمه کمک کرده مرا. هر وقت تنها و درمانده باشم حضرت زهرا دستم را می‌گیرد. قرآن برای آرامش زیاد نخواندم ولی چند آیه از قرآن خیلی آرامم می‌کند. گاهی یک آیه به ذهنم می‌رسد و آن لحظه حس می‌کنم که خداوند می‌خواهد من را کمک کند. نماز حاجت و نذر آرامم می‌کند، روزه نمی‌گیرم. برای آرامش بیشتر موسیقی سنتی شجریان گوش می‌دهم (مصاحبه ۱: ۳). من وقتی درونم آرام باشد همه جا احساس آرامش می‌کنم. اما در صورتی که آرام نباشم مکان‌هایی مثل حسینیه خودمان، حرم امام رضا و سایر امام زاده‌ها به طور کلی تمامی اماکن مقدس و عبادتگاه‌ها، طبیعت، شهرهایی و بافت‌های قدیمی و باستانی آرامم می‌کند. در مواقع اضطرار و مشکل تا به حال این‌گونه بوده که ابتدا کمی نگران و هول می‌شوم. بعد سعی می‌کنم آرامشم را حفظ کنم، با خودم ذکر را تکرار می‌کنم و از خدا و امام علی (ع) و یا سایر امامان کمک می‌خواهم، برای حل مسئله درنهایت با توکل دست به عمل می‌شوم. قرآن خواندن، دعا کردن، توسل به ائمه، نماز خواندن آرامم می‌کند. روزه گرفتن را تربیتی برای نفسم می‌دانم

نه آرامش برای روحم. پیش آمده مواقعی که موسیقی‌های سنتی مثل شجریان باعث آرامش بیشترم شده. (مصاحبه ۱۴ : ۴-۳).

دسته دوم گزینشی، اصلی‌ترین روش آن زیارت اماکن مقدس و قبور درگذشتگان، گوش دادن به موسیقی در ژانرهای مختلف است. عمده‌ترین آرامش‌بخشی مصاحبه‌شوندگان است. یه بخشی از خانه ام انرژی خوبی دارد آنجا احساسی آرامش می‌کنم. حرم امام رضا هم آرامش می‌دهد. برای افزایش احساس آرامش با خودم خلوت می‌کنم و کارهایی را که دوست دارم انجام می‌دهم. به گل‌هایم می‌رسم. چون به خدا اعتقاد دارم، وقتی مشکل دارم با خدا راز و نیاز می‌کنم. قرآن می‌خوانم، قرآن به من حس قدرت می‌دهد، قرآن خواندن به من آرامش می‌دهد. در جملات قرآن چیزهایی را پیدا می‌کنم که به من آرامش می‌دهد. اهل توسل نیستم. بستگی به حالم دارد. گاهی با موسیقی کلاسیک گاهی با پاپ آرام می‌شوم. ولی بیشتر موسیقی بی‌کلام آرامم می‌کند. (مصاحبه ۱۰ : ۳) و دسته سوم روشهای نو، با انتخاب راه‌های متعدد آرامش بخشی در کنار همدیگر است. ااره احساس آرامش می‌کنم مثلاً در بهشت زهرا، جای زیارتی هم آرامش می‌دهد. موزیک گوش می‌دهم، عکاسی، نقاشی، سرم را مثلاً با کتاب گرم می‌کنم. سعی می‌کنم تمرکز کنم در اضطرار و مشکل به دقت چیزها را آنالیز کنم. پیش اوامده آرامم کند قرآن خواندن و توسل و دعا و غیره ولی کار همیشگی ام نیست. خیلی کم پیش می‌آید نماز و روزه هم گاهی باعث می‌شود آرام بشوم [در کل کم]. راک بیشتر از همه آرامم می‌کند، بعضی پاپ‌ها آرامم می‌کنند. بیشتر این مهم است که من ترانه به حال من نزدیک باشد. (مصاحبه ۳ : ۳). در این دسته حتی روش‌های غیرمذهبی برای رسیدن به آرامش هم محسوب می‌شود. من در کنار خانواده‌ام احساس آرامش می‌کنم. البته این که در اتاقم تنها باشم هم آرامش دارم. اماکن مذهبی و قبور برای من آرامش بخش نیست. وقتی با خواهرزاده‌ام هستم خیلی آرامشم بیشتر می‌شود. در اضطرار و مشکل با خودم خلوت می‌کنم و سعی می‌کنم به مشکلم فکر کنم و راهی برای حل آن پیدا کنم. قرآن، دعا، توسل به ائمه، نماز، نذر و روزه آرامم

نمی‌کند. موسیقی پاپ ملایم را برای آرامش دوست دارم. موسیقی سنتی تلفیقی با پاپ را دوست دارم (مصاحبه ۱۵ : ۳). البته آثار محمدرضا شجریان از عمده موسیقی‌های آرامش‌بخش از نظر مصاحبه‌شوندگان است.

۲-۵. شرایط زمینه‌ای و مداخله‌گر

مؤلفه‌های شرایط زمینه‌ای و مداخله‌گر در مقاله فعلی در چهار طبقه وضعیت فرهنگی خانواده، وضعیت فرهنگی و فراعیت زنان، حادثه یا مخاطره پزشکی و اجتماعی و ویژگی جمعیت‌شناختی می‌توان تحلیل کرد.

وضعیت فرهنگی خانواده

وضعیت فرهنگی خانواده‌های زنان مصاحبه‌شده را به سه سنخ اجتماعی تقسیم می‌شود. الف) خانواده سنتی، خانواده‌هایی که تاکید بر حجاب و نماز برای دخترشان دارند. ارتباط با خانواده صمیم نیست ولی بد هم نیست. سازگار هستم با آنها ولی حالت ایده‌آل نیست، احترام هست. ولی باید با پدر و مادرم حالت دوری و دوستی است. نمی‌توانم پدر و مادرم را وارد جریان زندگی ام کنم. من هم وارد جریان زندگی نمی‌شوم. خانواده‌ام مذهبی محسوب نمی‌شوند. نماز می‌خوانند ولی همه دین را مورد به مورد رعایت نمی‌کنند. خانواده‌ام برای انجام امور دینی سخت‌گیری نمی‌کردند مگر حجاب حتی سر آن در خانواده جنگ داشتم، سر رژ لب از پدرم کتک خوردم (مصاحبه ۱: ۱). ب) خانواده مذهبی، خانواده‌هایی که تاکید بر الزام انجام تمامی شعائر مذهبی دارند. خانواده‌ام مثل خودم اعتقاد مذهبی درونی دارند تا بیرونی. مادر و پدرم نماز می‌خوانند و معتقدند و روزه می‌گیرند. خانواده‌ام حتی برای یک‌بار هم باری امور دینی به من سخت نگرفتند. مادر و پدرم و دایی‌ها و خاله‌هایم مذهبی بودند. کسی از آنها چیزی بهم تحمیل نکردند. سر هیچ مسئله‌ای مذهبی دعوا و بحث نداشتیم (مصاحبه ۱۱: ۱) و ج) خانواده سهل‌گیر، خانواده‌هایی که در ارتباط با جنس مخالف سهل‌گیر هستند و بر انجام شعائر مذهبی مقید نیستند. خوبه ارتباط با

خانواده، خانواده‌ام مذهبی نیستند، هیچ‌گاه برای انجام امور دینی سخت‌گیری نکردند همیشه به خواست خودم بودم (مصاحبه ۷: ۱).

وضعیت فرهنگی و فراغت زنان

وضعیت مصرف فرهنگی و فراغت زنان مصاحبه شده را به دو سنخ اجتماعی می‌توان طبقه‌بندی کرد. الف) طریقه سنتی که علاقمندی به کتاب، اشعار سنتی، سفر به شهرهای قدیمی، فراگیری هنرهای سنتی و مصرف کالاهای سنتی همراه محسوب می‌شود. ترجیح می‌دهم اول سفر داخلی کنم. اول شیراز و اصفهان بعد اروپا، جای طبیعی و بکر و سرسبز را به جای مدرن ترجیح می‌دهم. شعر سنتی دوست دارم و بیشتر حافظ می‌خوانم، شعر نو می‌خوانم سهراب را ولی در کل شعر سنتی را ترجیح می‌دهم. به چیزهای ماورالطبیعه خیلی علاقه دارم. هنر سنتی را دوست دارم، قالیبافی را دوست دارم. کالای سنتی دوست دارم ولی تا به حال رویم نشده یک مانتو طرح سنتی یا مليله دوزی بخرم، خجالت می‌کشم (مصاحبه ۲: ۱-۲) و ب) طریقه تلفیقی، علاقمندی به رمان، اشعار نو، سفر به شهرهای مدرن و طبیعت، رفتن به سینما، کافه، تئاتر، عضویت فعال در شبکه‌های اجتماعی و فراگیری هنرهای جدید و مصرف کالاهای مدرن را شامل می‌شود. گشتی در مطالبی اینترنتی، تخیل می‌کنم، نقاشی، عکاسی، کافه‌نشینی، کتاب می‌خوانم. در برابر شهرهای مدرن مثل شانگهای و پاریس من اصفهان و شیراز ترجیح می‌دهم. طبیعت‌گردی را ترجیح می‌دهم. عضو هستم در اینستاگرام، فیسبوک، تلگرام، واتس‌آپ، بیشتر در اینستاگرام فعالم، نه دوست ندارم چون هنر یک چیز آوانگارد و رو به جلو است. دوست ندارم ساکن بمانم. بته‌جقه دوست دارم. کلا ساده می‌پوشم. لباس‌های سنتی هم اگر خاص باشند می‌پسندم (مصاحبه ۳: ۲). اما با وجود این سنخ‌ها اغلب مصاحبه‌شوندگان به خواندن دیوان حافظ و اشعار مولانا و طبیعت‌گردی علاقمندی نشان دادند.

حادثه یا مخاطره پزشکی و اجتماعی

مواجهه با یک مخاطره پزشکی یا اجتماعی یکی از علل گرایش به دوره و کلاس‌ها است. چون ماحصل آن یک بحران فردی یا خانوادگی برای مصاحبه شونده است که این دوره و کلاسها نوشدارو آن می‌توان تلقی کرد. مشکل اوتیسم پسرم باعث شد که به کلاسهای موفقیت بروم (مصاحبه ۱، ۳). به زمانی بود که خیلی استرس داشتم و عصبی بودم و کمرم مشکل داشت. یکی از دوستانم که از چهارده سالگی یوگا کار می‌کرد به من پیشنهاد یوگا را داد. دکترها می‌گفتند باید عمل شود ولی یوگا من را خوب کرد (مصاحبه ۷، ۳). من اولین بار دوستم به این کلاس‌ها می‌رفتم. حرف‌هایی که می‌زد برایم جذاب بود. بعد پیش آمد که خودم رفتم و اثرش را دیدم و یک جاهایی بعدا دیدم که به عرفان نیاز دارم و بدون آن انرژی‌ام خیلی پایین می‌آید و حالات روحی‌ام بالا و پایین می‌شود (مصاحبه ۸، ۳).

ویژگی جمعیت‌شناختی

زنان مصاحبه‌شده در سنین ۲۴ ساله تا ۶۲ ساله، متولدین شهرهای تهران، یزد، لاهیجان، رشت، آذرشهر و دارای اصالت‌های ترک، عرب، قمی، لر و گیلکی بودند و تحصیلات آنان از سیکل تا کارشناسی ارشد و در زمینه‌های فنی و مهندسی و علوم انسانی در رشته‌های الهیات، جامعه‌شناسی و حسابداری داشتند.

۳-۵. راهبردها

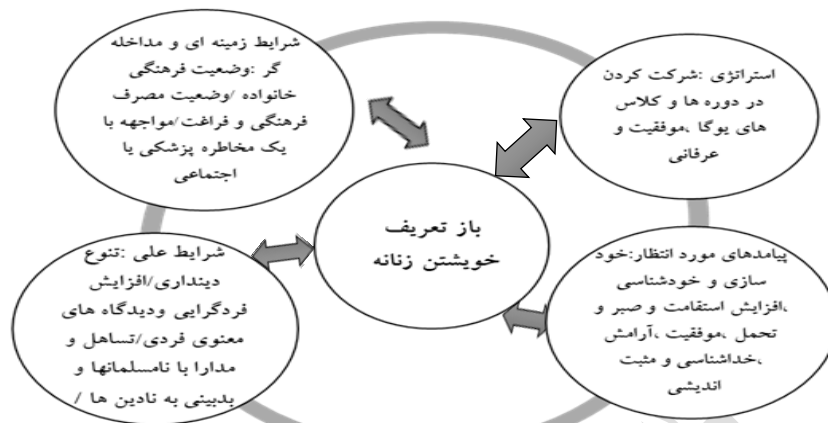
راهبردها در اظهارات مصاحبه‌شوندگان را در مشوقین، طریقه‌آشنایی و موضع اطرافیان بررسی کردیم. مشوقین آنان اغلب دوستان صمیمی و خانواده بودند. خانواده همسر سابقم مخالف بودند، همسرم چون درگیر کار بود خیلی برایش اهمیت نداشت که چکار می‌کنم، خانواده‌ام مخالفتی نداشتند. مشوقم خانواده بودند به ویژه خواهرم و بعد مادر و پدرم، یکی از دوستانم مشوق بود و حتی جلسات یوگا در خانه‌ی من برگزار می‌شد

(مصاحبه ۲: ۳). طریقه‌ی آشنایی توسط آشنایان و دوستان بوده است. خانواده‌ام اول نظری نداشتند ولی بعداً همراهی کردند. حس کردند راه خوبی است، کسی تشویق نمی‌کرد (مصاحبه ۸: ۳). موضع اطرافیان در مقابل شرکت در دوره و کلاس‌ها اغلب مخالف نبوده‌است. هیچ مخالفتی نداشتیم. مادرم و همسرم برای یوگا تشویق می‌کردند. دوستانم هم تشویق می‌کردند. تعداد کمی از دوستانم یوگا کار می‌کنند، خیلی‌ها ماندگار نیستند. الآن هفت نفر دوست یوگا کار دارم (مصاحبه ۴: ۳). ۳. از طریق دوستان صمیمی و یا اعضای خانواده با این دوره و کلاس‌ها آشنا شدند و ۴. عدم مخالفت همسر و اعضای خانواده برای حضور و ادامه این کلاسها و دوره‌ها یا موارد اندک مخالفت. خانواده‌ی همسر سابقم مخالف بودند، همسرم چون درگیر کار بود خیلی برایش اهمیت نداشت که چکار می‌کنم، خانواده‌ام مخالفتی نداشتند. مشوقم خانواده بودند به ویژه خواهرم و بعد مادر و پدرم، یکی از دوستانم مشوق بود و حتی جلسات یوگا در خانه‌ی من برگزار می‌شد (مصاحبه ۲: ۳). خانواده‌ام اول نظری نداشتند ولی بعداً همراهی کردند. حس کردند راه خوبی است، کسی تشویق نمی‌کرد (مصاحبه ۸: ۳). هیچ مخالفتی نداشتیم. مادرم و همسرم برای یوگا تشویق می‌کردند. دوستانم هم تشویق می‌کردند. تعداد کمی از دوستانم یوگا کار می‌کنند، خیلی‌ها ماندگار نیستند. الآن هفت نفر دوست یوگا کار دارم (مصاحبه ۴: ۳).

۴-۵. پیامدهای مورد انتظار

پیامدهای مورد انتظار آنان، بیشتر فردی است. از جمله: ۱. خودسازی و خودشناسی. اینکه آدم به خود سازی برسد که محیط اطراف و انرژی‌های منفی روی من اثر نگذارد، باید من مسلط باشم به اوضاع نه برعکس، تحملم برود بالا، تمرکزم برود بالا (مصاحبه ۳: ۳). ۲. افزایش استقامت، صبر و تحمل. فکرم را باز کرد، اعتماد به نفس مرا بالا برد، قشنگی زندگی به همین مشکلات است. یک روز شادی و یک روز غم است. زندگی بالا و پایین دارد. دید مرا عوض کرد. یاد گرفتیم کسانی که مریض می‌شوند، مثلاً

سرطان، وجود هر کس پنجاه و دو چشمه دارد، یکی از آنها درگیر می شود که سرطان می گیریم باید اول فکر را باز کنیم. فکر را کوچک نکنیم (مصاحبه ۴ : ۴). ۳. موفقیت. خودشناسی و موفقیت (مصاحبه ۵ : ۳). ۴. آرامش است. از یوگا تمرکز بیشتر از حد زیاد بدست آوردم، با آن همکاری می شود انجام داد. آرامش هم بدست آوردم. قدرت و استقامت هم بدست آوردم (مصاحبه ۷ : ۴). ۵. خداشناسی. خیلی چیزها بدست آوردیم، توانایی های خاص بدست آوردم. چون خدا را پیدا می کنیم. ظرفیت سازی می شود و مشکلات ما را بهم نمی ریزد. توکل به خدا می یابیم. اشراق پیدا می کنیم (مصاحبه ۱۲ : ۳). هر کجا عمل صالح باشد. گفته های قرآن پیاده شود راه خدا و توحید هست. (مصاحبه ۱۳ : ۱) و ۶. مثبت اندیشی است. انرژی مثبت از این کلاس ها می گیریم. قبل از شروع هر کاری، حس می کنم حتماً در انجام آن موفق خواهم شد. درباره همه چیز مثبت فکر می کنم. همین فکر مثبت باعث می شود که بتوانم امور زندگی را با موفقیت بگذرانم. شعار من در زندگی این است که هر کاری را که بخواهم، می توانم انجام بدهم (مصاحبه ۱۵ : ۴). مرحله آخر، برای دستیابی به طرح نظری نیازمند فهم پدیده محوری هستیم. برای تحقق این امر نمودار زیر همان مدل الگوواره ۱ ترسیم شده است.



نمودار ۱- مدل الگوواره

۶. نتیجه گیری

زنان تهرانی با شرکت کردن در دوره‌ها و کلاس‌های یوگا، موفقیت و عرفانی در تلاش بازتعریف خود هستند. در این راه دو فرآیند مهم «بدعت» و «بر ساختن» یا «بازاندیشی» خود بالاحص در مواجهه با مخاطرات اجتماعی و پزشکی دست می‌زنند. در حقیقت رابطه‌ای پیکار^۱ میان منابع آگاهی و سوژگی زنان در نحوه دین‌داری تاثیرگذار است. رفتار مذهبی مصاحبه‌شوندگان در شهر تهران گرایش به دین‌داری گزینشی و تسلط بدعت اجتماعی حرکت کرده است. پس دو نوع دین‌داری اسلام-معنویت‌های نو و معنویت‌های نو-اسلام به چشم می‌خورد. بالطبع رواج راه‌های غیر مادی کمک‌رسانی که جزو راه‌های سنتی نبوده، متأثر از الگوهای جدید دین‌داری است. از یک طرف، رواداری و تساهل در ارتباط با نامسلمان‌ها با دوگانه‌انگاری و با بی‌خدا و نادین‌ها با دوری‌گزینی مواجه هستیم. از طرفی دیگر، گزینشی‌شدن در گروهی‌ترین تا فردی‌ترین سطوح کنش فرهنگی زنان نفوذ کرده است. پس وضعیت فرهنگی خانوادگی تا تیپ‌های روان‌شناختی، طرق و اماکن آرامش‌بخشی و وضعیت مصرف فرهنگی و فراغت زنان هم

1. Dialectic

گزینشی شده است. سوژگی زنان هم از این فرآیند در امان نیست. پس همچون یک واقعیت اجتماعی در پیکار بیرونی شدن، عینی شدن و درونی شدن است. سوژگی آنان در هر لحظه در حال شدن است. در این فرآیند سه گانه زنان در حال بازتعریف خویش هستند. هویت یکی از اجزای اصلی واقعیت ذهنی است و مانند هرگونه واقعیت ذهنی، در رابطه‌ای پیکاری با جامعه قرار دارد. زنِ امروزی در نگاه مصاحبه‌شوندگان بازساخت و اندیشی می‌شود، هم باید آگاه، مستحکم و مستقل از نظر مالی و پایبند به اخلاق باشد و هم کار، تحصیل و فرزند تعادل برقرار کند. دوره‌ها و کلاس‌های یوگا، موفقیت و عرفانی فرصتی برای خودسازی و خودشناسی قلمداد می‌کنند. آنان به «باز تعریف خویشتن زنانه» دست می‌زنند. در حقیقت این زنان با «برساختن» خویش در مقابل مخاطرات و با راهبرد «بازاندیشی» خویشتن زیست‌تکنرگرایبی را تجربه می‌کنند. این امور همان با سازوکار^۱ بدعت تحقق می‌یابد. اما این ساز و کار «باز تعریف خویشتن زنانه» قطعاً توسط بافتار اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کنونی ما مجاز شمرده می‌شود. زمینه‌های مجاز شمردن آن از مقال این مقاله خارج است.

تضاد منافع و منابع مالی

تضاد منافی میان نویسندگان وجود ندارد. نویسندگان از منابع مالی هیچ سازمانی برای پیشبرد پژوهش بهره نبردند.

منابع

۱. اعظم آزاده، منصوره؛ توکلی، عاطفه. (۱۳۸۶) «فردگرایی، جمع‌گرایی و دینداری». فصلنامه مطالعات فرهنگی و ارتباطات. ۳(۹): ۱۰۱-۱۲۶.
۲. انجمن روان‌شناسی اسلامی. (۲۶ تیر ۱۳۹۸). «بیانیه ماموریت و اهداف». *انجمن روان‌شناسی اسلامی*، به نشانی اینترنتی: http://islamicpa.com/?page_id=5915#. مراجعه ۱۳۹۹/۰۸/۱۸

1. Mechanism

۳. آزاد ارمکی، تقی؛ نبوی، سیدحسین. (۱۳۹۲) «نخستین صورت سازه فرهنگی «غرب» و «تجدد» در ایران معاصر». مسائل اجتماعی ایران. ۴ (۱): ۷-۳۱
۴. باستانی، سوسن؛ شریعتی، سارا؛ خسروی، بهناز. (۱۳۸۹) «مروجان رفتارهای دینی (مطالعه موردی جمع های با رویکرد روان شناسی و عرفان)». نامه علوم اجتماعی. ۱۷ (۳۶): ۲۶۹-۳۰۳
۵. باستانی، سوسن؛ شریعتی، سارا؛ خسروی، بهناز. (۱۳۹۷). «مصرف کالاهای معنوی، راهی برای افزایش سرمایه‌ی فرهنگی (نگاهی دیگر به معنویت‌های جدید در ایران)». علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد. ۲ (۲): ۲۶۹-۳۰۳
۶. برگر، پیتر؛ لاکمن، توماس. (۱۳۷۵) ساخت اجتماعی واقعیت (رساله ای در جامعه شناسی شناخت). مترجم فریبرز مجیدی. چاپ اول. تهران. علمی و فرهنگی: ۲۳۵
۷. توسلی، غلامعباس؛ مرشدی، ابوالفضل (۱۳۸۵) «بررسی سطح دینداری و گرایش های دینی دانشجویان مطالعه موردی (دانشگاه صنعتی امیر کبیر)». مجله جامعه شناسی ایران. ۷ (۴): ۹۶-۱۱۸
۸. توکلی طوقی، محمد. (۱۳۹۶) تجدد بومی و بازانديشی تاریخ. ویراست دوم. تهران: پردیس دانش.
۹. نجفی، موسی؛ نعیمیان، ذبیح‌الله؛ رمضان‌نرگسی، رمضان؛ مصباح، علی؛ مشکی، مهدی؛ سلمانیان، حسنعلی. (۱۳۸۷) تشیع و مدرنیته در ایران معاصر. قم: انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۱۰. حسام‌الدین، آشنا؛ و همکاران. (۱۳۹۲) مدل مفهومی شاخص های فرهنگی اسلامی - ایرانی. تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات وزارت فرهنگ ارشاد اسلامی.
۱۱. حسن پور، آرش؛ معمار؛ ثریا. (۱۳۹۴) مطالعه وضعیت دین‌ورزی جوانان با تأکید بر دینداری خودمرجع (ارائه یک نظریه زمینه‌ای). فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران. ۸ (۳): ۹۹-۱۳۱
۱۲. حمیدیه، بهزاد. (۱۳۹۲). «جنش‌های نوپدید معنوی: دین یا عرفان؟». مجله ادیان و عرفان. ۶ (۱): ۲۹-۵۰
۱۳. حیدری، آرش (۱۳۹۶) «روانشناسی، حکومت‌مندی و نولیبرالیسم». مطالعات جامعه شناختی (نامه علوم اجتماعی سابق). ۲۴ (۱): ۹-۳۹
۱۴. حیدری، آرش (۱۳۹۷) «تنظیمات ایرانی حکومت‌مندی و برآمدن دولت مدرن در ایران». مجله جامعه شناسی ایران. ۱۹ (۱): ۱۴۸-۱۲۶
۱۵. حیدری، آرش. (۱۳۹۹). واژگونه‌خوانی استبداد ایرانی. تهران: مانیا هنر.
۱۶. دانیالی، عارف؛ آقائی، خدیجه. (۱۳۹۹). «جوهرزدایی: تقلیل دین به عرفان‌های نوظهور (مطالعه موردی: تحلیل گفتمان انتقادی برنامه‌های پرگار از شبکه بی‌بی‌سی فارسی)». فصلنامه مطالعات فرهنگ - ارتباطات. ۲۱ (۴۹): ۶۷-۹۲
۱۷. دوفصلنامه پژوهش‌نامه روان‌شناسی اسلامی. (۱۳۹۸). «درباره نشریه». دوفصلنامه پژوهش‌نامه روان‌شناسی اسلامی، به نشانی اینترنتی: <http://psychology.riqh.ac.ir/journal/about>. مراجعه ۱۳۹۹/۰۸/۱۸
۱۸. ریاحی، محمداسماعیل (۱۳۹۲) «بررسی عوامل اجتماعی مرتبط با میزان گرایش به عرفان‌های نوظهور در بین جوانان». نشریه مطالعات معنوی. (۷) ۳۹

۱۹. سازمان سنجش کشور (۱۳۹۸). دفترچه راهنمای انتخاب رشته آزمون کارشناسی ارشد ناپیوسته سال ۱۳۹۸. کدرشته محل های تحصیلی گروه علوم انسانی. مجموعه روانشناسی (کد ضریب ۱). تهران: سازمان سنجش کشور
۲۰. سازمان ملی جوانان. (۱۳۸۱). وضعیت، نگرش و مسایل جوانان ایران. تهران: سازمان ملی جوانان.
۲۱. سراجزاده، سیدحسین. (۱۳۷۷) «نگرش ها و رفتارهای دینی نوجوانان و دلالت آن بر سکولار شدن». فصلنامه نمایه پژوهش. شماره ۸ و ۷: ۱۱۸-۱۰۵
۲۲. سراجزاده، سیدحسین. (۱۳۸۵) چالش های دین و مدرنیته (مباحثی جامعه‌شناختی در دین‌داری و سکولار شدن). تهران: طرح نو
۲۳. شجاعی‌زند، علی‌رضا. (۱۳۹۵) «مدلی برای مطالعه «دین‌گریزی» در ایران». فصلنامه علمی پژوهشی راهبرد فرهنگ. ۳۰-۷: (۳۵)۹
۲۴. شریعتی‌مزینانی، سارا؛ باستانی، سوسن؛ خسروی، بهناز. (۱۳۸۶) «جوامعی در نوستالژی اجتماع نگاهی به پدیده معنویت‌های جدید در ایران (از خلال مطالعه موردی دو نمونه از جمع‌های عرفانی - روان‌شناسی)». فصلنامه مطالعات فرهنگی و ارتباطات. ۳(۸): ۱۷۷-۱۹۵.
۲۵. شیانی، ملیحه؛ موسوی، میر طاهر؛ مدنی قهفرخی، سعید (۱۳۸۸) «سرمایه اجتماعی جوانان در ایران». مجله جامعه‌شناسی ایران. ۱۰(۳): ۵۷-۸۴
۲۶. طالبان، محمدرضا. (۱۳۸۸) «چارچوبی مفهومی برای پیمایش دین‌داری در ایران». فصلنامه علمی - پژوهشی اسلام و علوم اجتماعی. ۱(۲): ۷-۲۸
۲۷. طالبی، ابوتراب. (۱۳۹۲) «معنویت‌گرایی نوین به مثابه گفتمان». فصلنامه علوم اجتماعی. دوره ۲۰. شماره ۶۲: ۲۱۳-۲۵۲
۲۸. طالبی، ابوتراب؛ رضانی تمیجانی، صدیقه (۱۳۹۵) «گونه‌شناسی معنویت‌گرایان جدید». فصلنامه علمی پژوهشی راهبرد فرهنگ. ۳۵(۹): ۲۰۳-۲۳۳.
۲۹. عالم زاده، مریم؛ رستگاری، ثمینا (۱۳۹۳) «دین‌داری جوانان، ایده‌آل‌ها و واقعیت‌ها بررسی محدودیت‌های گفتمان‌های دینی در تحلیل دین‌داری جوانان (شهر تهران)». مطالعات جامعه‌شناختی (نامه علوم اجتماعی سابق). ۲۱(۲): ۱۵۹-۱۸۸
۳۰. غفاری، غلامرضا، و همکاران. (۱۳۹۳) سنجش سرمایه اجتماعی کشور. تهران: دفتر طرح‌های ملی پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات وزارت فرهنگ و ارشاد.
۳۱. فاضلی، نعمت‌الله (۱۳۹۴). تجربه تجدد (رویکردی انسان‌شناختی به امروزی‌شدن فرهنگ ایران). تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی
۳۲. فرجی، مهدی؛ کاظمی، عباس. (۱۳۸۸). «بررسی وضعیت دین‌داری در ایران (با تأکید بر داده‌های پیمایش‌های سه دهه گذشته)». فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران. ۲(۲): ۷۹-۹۵.
۳۳. فوکو، میشل (۱۳۹۱). تولد زیست‌سیاست (درس گفتارهای کلژ دو فرانس ۷۹-۱۹۷۸). مترجم رضا نجف‌زاده. تهران: نی.

۳۴. فوکو، میشل (۱۳۹۲). تولد پزشکی بالینی. مترجم فاطمه ولیانی. تهران: ماهی.
۳۵. فوکو، میشل (۱۳۸۷). مراقبت و تنبیه (تولد زندان). ترجمه نیکو سرخوش، افشین جهان‌دیده. تهران: نی
۳۶. کلاکی، حسن؛ نیازخانی، مرتضی (۱۳۸۹). «مدل اندازه‌گیری دینداری جوانان». فصلنامه مطالعات فرهنگ - ارتباطات. ۱۱(۱۲): ۸۹-۱۲۳.
۳۷. کلتر، هانسفرید؛ برگر، بریجیت؛ برگر، پیتر. (۱۳۸۱). ذهن بی‌خانمان (نوسازی و آگاهی). مترجم محمد ساوجی. تهران: نی: ۷۳-۷۸ و ۹.
۳۸. گودرزی، محسن. (۱۳۹۳). موج دوم ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان. تهران: شورای سیاست‌گذاری پژوهش‌های ملی پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۳۹. گودرزی، محسن؛ و همکاران. (۱۳۸۲). موج دوم ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان. تهران: دفتر طرح‌های ملی پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات وزارت فرهنگ ارشاد اسلامی.
۴۰. گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۷). پیامدهای مدرنیته. مترجم محسن ثلاثی. چاپ اول. تهران. مرکز: ۹-۱۴۸.
۴۱. گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۵). تجدد و تشخیص (جامعه و هویت شخصی در عصر جدید). مترجم ناصر موفقیان. چاپ چهارم. تهران: نی: ۱۱۶ و ۱۱۲-۱۱۱.
۴۲. مرادی، فاتح؛ رهبر، عباسعلی؛ توی، خوان. (۱۳۹۹). «پزشکی و قدرت از عهد ناصری تا دوره رضاخان؛ تبارشناسی سوژه ایرانی». پژوهشنامه علوم سیاسی. ۱۵(۳): ۷۲-۱۴۱.
۴۳. مرکز پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه. (۱۳۸۳). پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های جوانان. تهران: سازمان ملی جوانان.
۴۴. مرکز تحقیقات بسیج دانشگاه امام صادق علیه السلام. (۱۳۸۶). پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های جوانان. تهران: سازمان ملی جوانان.
۴۵. مرکز مطالعات کودکان، نوجوانان و جوانان دانشگاه الزهراء (س). (۱۳۸۶). پیمایش ملی بررسی وضعیت، مسائل و مشکلات دختران و زنان جوان. تهران: سازمان ملی جوانان.
۴۶. مصداقی، ژیلا. (۱۳۷۶). گزارش فرهنگی کشور در سال ۱۳۷۵. تهران: دفتر طرح‌های ملی. پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات وزارت فرهنگ ارشاد اسلامی.
۴۷. مصداقی، ژیلا. (۱۳۷۸). گزارش فرهنگی کشور در سال ۱۳۷۶. تهران: دفتر طرح‌های ملی پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات وزارت فرهنگ ارشاد اسلامی.
۴۸. مصداقی، ژیلا. (۱۳۷۹). گزارش فرهنگی کشور در سال ۱۳۷۷. تهران: دفتر طرح‌های ملی پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات وزارت فرهنگ ارشاد اسلامی.
۴۹. مظاهری سیف، حمید رضا (۱۳۹۰). جریان‌شناسی انتقادی عرفان‌های نوظهور. جلد ۱. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۵۰. مرکز مطالعات جوانان دانشگاه علامه طباطبایی. (۱۳۸۹). پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های جوانان. تهران: وزارت ورزش و جوانان.

۵۱. موسسه میثاق دانش روز. (۱۳۸۱). گزارش فرهنگی کشور در سال ۱۳۷۹. تهران: دفتر طرح‌های ملی پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات وزارت فرهنگ ارشاد اسلامی.
۵۲. موسسه میثاق دانش روز. (۱۳۸۲). گزارش فرهنگی کشور در سال ۱۳۸۰. تهران: دفتر طرح‌های ملی پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات وزارت فرهنگ ارشاد اسلامی.
۵۳. موسوی، میرطاهر. (۱۳۸۶). *سنجش سرمایه اجتماعی جوانان در ایران*. تهران: سازمان ملی جوانان.
۵۴. مهدوی، سیدمحمدصادق؛ ادریسی؛ افسانه؛ رحمانی خلیلی، احسان (۱۳۸۹). «شناسایی میزان دین‌داری و مقایسه آن در گروه‌های متفاوت شهروندان تهرانی». فصلنامه مطالعات فرهنگ - ارتباطات. ۱۱(۱): ۱۶۵-۱۳۹.
۵۵. میرسپاسی، علی (۱۳۹۸). *تاملی در مدرنیته ایرانی (بحثی درباره گفتمان‌های روشنفکری و سیاست مدرنیزاسیون در ایران)*. تهران: ثالث.
۵۶. میلانی، عباس (۱۳۸۷). *تجدد و تجدیدستیزی در ایران (مجموعه مقالات)*. تهران: اختران.
57. Berger, P. L. (1980). Facing up to Modernity: 133
58. Berger, P. L., & Muir, R. (1980). *The heretical imperative: Contemporary possibilities of religious affirmation*. New York: Anchor Press: 28-30
59. Tavakoli-Targhi, M. (2001). Refashioning Iran. *Orientalism, Occidentalism and historiography*.

Socio-cultural contexts of women's desire for new patterns of religiosity

A case study of mystical courses, success and yoga classes in Tehran

Abstracts

The current article has been written using the grounded theory method with Strauss approach to understand the religious map of Tehran women in this period. The four components of coding paradigm based on the centrality of positivist psychology and the spirituality of Buddhism in new patterns of religiosity were examined. Religious behavior, social identity, tolerance, psychological types and ways and places of relaxation are considered as causal conditions. The cultural status of the families, the cultural consumption status and the leisure of the interviewees can be considered as contextual and intervening conditions. Their attending courses and classes virtually with the acquaintance and encouragement of close friends and family should be considered as a strategy. Tehrani women's strategy in facing a medical or social risk. The expected consequences of the interviewees including self-improvement and self-knowledge, increased endurance, patience, success, calmness, theology and positive thinking. Through the mechanism of "heresy", Tehran women "reconstructing" or "rethink" themselves, especially in the face of risks such as disease.

Keywords: New patterns of religiosity, positivist psychology, Reconstructing, Rethinking, Risk.